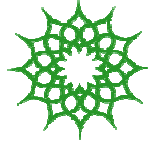


[[بسم الله الرحمن الرحيم]]



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

بررسی ویژگی های زبان و ادبی کتاب **عبرالعاشقین** اثر روزبهان بقلی

استاد راهنما

دکتر شهره انصاری

استاد مشاور

دکتر ابوالقاسم رادفر

پژوهشگر

هدی کجوری

آذر ماه ۱۳۸۹

❖ به : محمد علی دهقانی

چکیده :

« عبهرالعاشقین »، یکی از آثار مهم و ارزشمند، در زمینه «عشق عرفانی» و «جمال پرستی» است که متأسفانه زیاد مورد توجه اهل ادب و عرفان قرار نگرفته است و شاید این امر به سبب دشواری نثر روزبهران بقلی باشد.

در این رساله، ابتدا به بررسی زندگی، شرایط اجتماعی، سیاسی و مذهبی عصر روزبهران پرداخته و سپس فضای فکری و عرفان خاص وی را که مبتنی بر عشق الهی و جمال پرستی عارفانه است، مورد تحلیل قرار داده ایم. رابطه روزبهران با عرفا و ادبای پیش و پس از او، و همچنین هم‌تایان غربی وی، در فصل چهارم، به صورت اجمالی بیان شده است.

در فصل پنجم، نگاهی دقیق‌تر به ویژگی‌های سبکی، زبانی و معنایی این اثر افکنده ایم و شش فصل آخر، به شرح اصطلاحات عرفانی، معنای واژگان دشوار، ترجمه آیات و احادیث و روایات و همچنین اقوال عرفا و بزرگان اعم از نظم و نثر اختصاص دارد.

فهرست مطالب :

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱	فصل اول : زندگانی روزبهان بقلی
۲	نام
۲	تعدد نام روزبهان
۳	کنیه
۴	نسبت
۵	شهرت
۶	القاب و صفات
۷	چهره شیخ
۷	سال تولد
۷	زادگاه
۸	نام پدر
۸	اصل و طایفه
۸	خانواده
۸	سفرها
۱۰	اساتید
۱۱	تحصیلات
۱۲	مذهب
۱۴	همسران، فرزندان، نوادگان

۱۹	اوضاع سیاسی عصر روزبهان و رابطه او با امراء
۲۰	بیماری
۲۱	پایان عمر و مرگ
۲۱	آرامگاه
۲۳	پی نوشت های فصل اول
۳۱	فصل دوم : تصوف شیخ روزبهان
۳۲	اوضاع صوفیان و تصوف در عصر روزبهان
۳۲	اولین گرایش های روزبهان به تصوف
۳۴	پیران و مرشدان
۳۹	مقام روزبهان در تصوف
۳۹	شجره تصوف
۴۱	رباط روزبهان
۴۲	سلسله روزبهانیه
۴۴	ابعاد تصوف روزبهان
۵۰	پی نوشت های فصل دوم
۵۷	فصل سوم : جمال پرستی
۵۸	واژه عشق در عرفان
۵۹	منشأ عشق از نگاه عرفا و اندیشمندان
۵۹	تقسیمات عشق
۶۱	سرچشمه های عشق الهی

عشق الهی در ادیان	۶۲
عشق الهی در عرفان اسلامی	۶۳
آثار صوفیان در عشق عرفانی	۶۴
«مکتب جمال» یا «جمال پرستی صوفیانه»	۶۶
پی نوشت های فصل سوم	۸۰
فصل چهارم : روزبهان و ادبا و عرفای دیگر	۸۷
تأثیر پذیری روزبهان از ادبا و عرفای پیش از خویش	۸۸
تأثیر روزبهان بر ادبا و عرفای پس از خود	۸۹
روزبهان و عرفای غرب	۹۱
پی نوشت های فصل چهارم	۹۳
فصل پنجم : آثار روزبهان بقلی	۹۵
آثار مثنوی در زمینه تفسیر و تأویل	۹۶
آثار مثنوی در زمینه حدیث	۹۷
آثار مثنوی در زمینه فقه و اصول فقه	۹۷
آثار مثنوی در زمینه اصول دین	۹۸
آثار مثنوی در زمینه کلام	۹۸
آثار مثنوی در زمینه نحو	۹۸
آثار مثنوی در زمینه الهیات	۹۹
آثار مثنوی در زمینه عرفان و تصوف	۹۹
آثار منظوم	۱۰۴

۱۰۶	پی نوشت های فصل پنجم
۱۱۲	فصل ششم : ویژگی های کتاب عبهرالعاشقین
۱۱۳	معنای لغوی و استعاره‌ی واژه «عبهر»
۱۱۳	عشق و عقل در عبهرالعاشقین
۱۱۴	ذکر افراد شاخص در عبهرالعاشقین
۱۱۵	ترتیب مطالب در فصول عبهرالعاشقین
۱۱۶	سبک و زبان عبهرالعاشقین
۱۲۵	پی نوشت های فصل ششم
۱۳۱	فصل هفتم : اصطلاحات عرفانی
۱۹۲	فصل هشتم : واژگان دشوار
۲۱۱	فصل نهم : آیات
۲۱۹	فصل دهم : احادیث و روایات
۲۲۶	فصل یازدهم : اقوال عرفا و بزرگان
۲۲۹	فصل دوازدهم : ابیات عربی
۲۳۲	فهرست منابع و مآخذ

مقدمه :

عشق الهی یکی از پایه های اساسی عرفان ایرانی و اسلامی است. عرفای بسیاری از وجوه گوناگون به این مفهوم والا نگریسته و آن را به زیبا ترین شکل در آثارشان منعکس کرده اند.

روزبهان بقلی، عارف بزرگ و شوریده ای که در قرن ششم و هفتم می زیست، در زمره همین افراد است.

فرضیه های پژوهش :

۱- روزبهان در *عبر العاشقین*، تقسیمات و تعریفات برای عشق ارائه داده که سایر عرفا به این شکل، به آن نپرداخته اند.

۲- وی سخنانش را به انواع صنایع لفظی، معنوی و بدایع زبانی آراسته است.

۳- پیچیدگی مفاهیم مورد نظر روزبهان و شاعرانگی بیش از حد نثر او و استفاده مکرر از اصطلاحات و آیات و احادیث و اقوال و، این کتاب را به اثری دشوار و دیریاب تبدیل کرده است و شاید همین امر باعث شده که روزبهان بقلی و کتب ارزشمند وی، در طول قرن ها کمتر مورد توجه قرار گیرند.

پیشینه پژوهش :

اغلب قریب به اتفاق پژوهش های ایرانیان بر زندگانی و آثار روزبهان بقلی تأکید داشته ؛ گرچه در این مسیر هم غربیان و شرق شناسان پیشگام بوده اند. فضای فکری روزبهان و مفاهیم بدیعی که وی به طرح آنها پرداخته، هرگز به عنوان موضوعی مستقل مورد بررسی قرار نگرفته است.

هدف پژوهش :

تلاش ما در پژوهش پیش رو، با وجود تمام تنگناهایی که به سبب کمبود منابع داشته ایم بر این بوده است که خواننده را از هر لحاظ با مهمترین اثر روزبهان بقلی یعنی *عبر العاشقین* آشنا سازیم.

روش پژوهش:

روش ما در نگارش این پایان نامه، برگه نویسی، تنظیم و طبقه بندی برگه ها و در نهایت تدوین آنها بوده است.

این رساله حاوی ۱۲ فصل است که ۶ فصل اول آن اختصاص دارد به معرفی روزبهان و اندیشه و بستر فرهنگی که در آن بالیده و در ۶ فصل دوم، فهرست های توضیحی برای سهولت فهم متن ارائه شده است.

ارجاع های این پژوهش به صورت پی نوشت و در پایان هر فصل آمده است.

اینک به معرفی مختصر فصول پیش رو می پردازیم:

- فصل اول: زندگانی روزبهان بقلی

این فصل شامل زیر فصل هایی است که عبارتند از: نام، تعدد نام روزبهان، کنیه، نسبت، شهرت، القاب و صفات، چهره شیخ، سال تولد، زادگاه، نام پدر، اصل و طایفه، خانواده، سفرها، اساتید، تحصیلات، مذهب، همسران - فرزندان - نوادگان، اوضاع سیاسی عصر روزبهان و رابطه او با امرا، بیماری، پایان عمر و مرگ، آرامگاه.

در فصل مذکور، اختلاف نظر پژوهشگران را در هر باب بیان کرده و رأی خویش را مبتنی بر نظر اکثریت آنها قرار داده ایم.

- فصل دوم: تصوف شیخ روزبهان

در این فصل کوشیده ایم که تصوف روزبهان بقلی و روند تکامل اندیشه های او را مورد بررسی قرار دهیم.

بخش های این فصل عبارتند از: اوضاع صوفیان و تصوف در عصر روزبهان، اولین گرایش های روزبهان به تصوف، پیران و مرشدان، مشایخ معاصر روزبهان، مقام روزبهان در تصوف، شجره تصوف، رباط روزبهان، سلسله روزبهانیه، ابعاد تصوف روزبهان.

- فصل سوم: جمال پرستی

در فصل سوم، ابتدا تاریخچه ای از گرایش انسان و به ویژه عرفا به عشق الهی ذکر نموده و اختلاف دیدگاه ها

را بررسی کرده ایم. سپس با تکیه بر کتاب *عبر العاشقین* که از «جمال پرستی» عارفانه سخن می گوید، به توصیف منظومه فکری روزبهان بقلی پرداخته ایم.

این فصل شامل بخش هایی است که عبارتند از: واژه «عشق» در عرفان، منشأ عشق از نگاه عرفا و اندیشمندان، تقسیمات عشق، سرچشمه های عشق الهی، عشق الهی در ادیان، عشق الهی در عرفان اسلامی، آثار صوفیان در عشق عرفانی، مکتب جمال یا جمال پرستی صوفیانه، جمال پرستی روزبهان بقلی.

فصل چهارم: روزبهان و ادبا و عرفای دیگر

این فصل شامل سه بخش کلی است: ۱. تاثیر پذیری روزبهان از ادبا و عرفای پیش از خود ۲. تاثیر روزبهان بر عرفا و ادبای پس از خود ۳. روزبهان و عرفای غرب.

فصل پنجم: آثار روزبهان بقلی

روزبهان آثار بسیاری از خود بر جای گذاشته که متأسفانه بسیاری از آنها به دست ما نرسیده است. در این رساله به ذکر نام این کتب و توضیحات مختصری که در منابع موجود بوده، بسنده کرده ایم.

روش ارجاع ما در این فصل بدین صورت است: در شماره پی نوشت مربوط به عنوان هر بخش، نام کتبی را که در آنها از آثار روزبهان در همان موضوع سخن گفته شده ذکر کرده ایم و شماره های بعدی، به بیان اختلافات میان منابع و یا نقل جملائی از آنها اختصاص دارد.

در منابع موجود، ۹ تقسیم بندی کلی برای آثار روزبهان ذکر شده که ما آنها را عنوان هر بخش قرار داده ایم: آثار منثور در زمینه تفسیر و تأویل، آثار منثور در زمینه حدیث، آثار منثور در زمینه فقه و اصول فقه، آثار منثور در زمینه اصول دین، آثار منثور در زمینه کلام، آثار منثور در زمینه نحو، آثار منثور در زمینه الهیات، آثار منثور در زمینه عرفان و تصوف، آثار منظوم.

فصل ششم: ویژگی های کتاب *عبر العاشقین*

در این فصل، ویژگی های ظاهری، بلاغی، دستوری و برخی مسائل مورد تأکید روزبهان در *عبر العاشقین* را مورد بررسی قرار داده ایم.

بخش های این فصل عبارتند از: معنای لغوی و استعاری واژه «عبر»، عشق و عقل در *عبر العاشقین*، ذکر افراد شاخص در *عبر العاشقین*، ترتیب مطالب در فصول *عبر العاشقین*، سبک و زبان *عبر العاشقین*.

فصل هفتم : اصطلاحات عرفانی

در فصل هفتم به شرح اصطلاحات عرفانی پرداخته ایم که بسامد بسیار بالایی در این کتاب دارند. در این راستا، از سه منبع مهم یعنی شرح اصطلاحات تصوف از گوهرین، فرهنگ لغات و اصطلاحات و تعبیرات عرفانی از سجادی و ترجمه اصطلاحات الصوفیه یا فرهنگ اصطلاحات عرفان و تصوف از عبدالرزاق کاشی استفاده کرده ایم و برای ارجاع، از سه علامت اختصاری : (گ = گوهرین)، (س = سجادی)، (ک = عبدالرزاق کاشی) بهره برده ایم که در پرانتز مقابل هر تعریف قابل مشاهده است.

فصل هشتم : واژگان دشوار

مأخذ اصلی ما در این بخش لغتنامه دهخدا بوده و اگر از منبع دیگری استفاده شده، نام آن در پرانتز مقابل تعریف آمده است.

فصل نهم : آیات

در ترجمه آیات این کتاب از ترجمه قرآن کریم اثر محمد مهدی فولادوند استفاده کرده ایم. نام سوره و شماره ای که در پرانتز مقابل هر آیه آمده، بر اساس همین نسخه است.

فصل دهم : احادیث و روایات

در آثار عرفانی معمولاً به صحت و سقم انتساب یک حدیث، دقت زیادی نمی شود؛ روزبهان نیز از این امر مبرا نبوده است.

نام هایی که در پرانتز مقابل هر حدیث یا روایت آمده، بر گرفته از متن عبهرالعاشقین است. ترجمه این احادیث و روایات از نگارنده است.

فصل یازدهم : اقوال عرفا و بزرگان

روزبهان اصولاً توجه زیادی به گوینده یک سخن ندارد و به همین سبب، به استثنای چند عبارت، جملات زیادی از عرفا نقل کرده که نام قائل آنها مشخص نیست. ترجمه این اقوال نیز از نگارنده است.

فصل دوازدهم : اشعار عربی

نام شاعر بسیاری از ابیات مندرج در *عبرالعاشقین* بر ما معلوم نیست و اگر احیاناً روزبهان نامی از هر کدام برده، ما آن را در پرانتز مقابل بیت آورده ایم.

ترجمه این اشعار از نگارنده است و گاه از ترجمه ای که نور بخش در نسخه *عبرالعاشقین* خود آورده بهره جسته ایم.

از خدا جویم توفیق ادب

هـ. کجوری / پاییز ۱۳۸۹

فصل اول :

«زندگانی روزبهان بقلی»

۱.۱) نام

نام وی «روزبهان» است. «روزبهان» مرکب است از دو جزء: روزبه + ان. خود واژه «روزبه» نیز مرکب است از یک اسم «روز» و یک صفت «به»، به معنی خوب و نیک که جمعاً معنای نیک روز و خوشبخت می‌یابد.^۱

«ان» در آخر نام «روزبهان» علامت نسبت است (مانند: اردشیر بابکان و ...)

پس روزبهان، لغتاً به معنی منسوب به روزبه. ولی در اعلام دوره اسلامی به

نظر می‌رسد که این نام را معادل روزبه و عاری از مفهوم نسبت تلقی کرده باشند.^۲

نام «روزبه» و «سال‌به» و «روزبهان» در بین اهل فارس، ظاهراً به وسیله مهاجران دیلمی انتشار یافت^۳ و خانواده روزبهان که خود از دیلمان بودند، این نام رایج را برای او برگزیدند.

۲.۱) تعدد نام روزبهان

به علت رواج نام «روزبهان» در فارس، در آن دوره کسان دیگری نیز بدین نام خوانده می‌شدند که بدون ذکر کنیه و نسبت کاملشان، قابل تشخیص از یکدیگر نیستند؛ از جمله آنها می‌توان به افراد زیر اشاره کرد:

۱) روزبهان مطران نصیبین

۲) روزبهان بن طاهر عمری عددی، پدر شیخ زین‌الدین مظفر بن روزبهان، و جد شیخ صدرالدین ابوالمعالی مظفر بن محمد بن مظفر بن روزبهان

۳) روزبهان بن محمد خنجی، پدر قاضی زین‌الدین علی بن روزبهان، و جد مجدالدین اسماعیل بن محمد خنجی

۴) روزبهان معروف به «فرید» که در شیراز نامه به عنوان «فریدالدین روزبهان الفسوی» یاد شده، پدر شیخ عزالدین محمد روزبهان، و جد امام‌الدین داود بن عزالدین محمد بن روزبهان و جد اعلای شیخ فریدالدین عبدالودود بن محمد روزبهان

۵) شهاب‌الدین روزبهان بن شیخ الاسلام قطب‌الدین ابومحمد عبدالله بن علی بن حسین مکی

۶) شیخ کبیر، روزبهان مصری کازرونی الاصل^۴

«مایر احتمال می‌دهد که این روزبهان کبیر مصری، همان روزبهان بقلی باشد که مدتی در مصر به همراه ابوالنجیب سهروردی به شنیدن حدیث مشغول بوده»^۵، اما برای این احتمال سند قانع کننده‌ای ارائه نمی‌دهد. قابل ذکر است که بیشترین خلط نام، میان «روزبهان بقلی» و «روزبهان مصری» مشاهده می‌شود. و این امر احتمالاً به چند علت رخ داده است:

(۱) معاصر بودن آنها؛

(۲) عارف بودن هر دو؛

(۳) هر دو از اهالی فارس بوده‌اند.

(۴) «محتمل است روزبهان مصری هم (مانند بقلی) اصلش دیلمی بوده باشد»^۶.

برای مثال، یکی از مصادیق این خلط را ذکر می‌کنیم:

ابن عربی در فتوحات مکیه، روایاتی را به شخصی به نام «روزبهان» نسبت داده است. عده‌ای برآنند که این روزبهان، روزبهان بقلی شیرازی است. اما اغلب قریب به اتفاق پژوهشگران وی را روزبهان مصری می‌دانند. زرین کوب در این باره می‌نویسد:

«در باب ... روزبهان بقلی البته باید توجه داشت که با یک صوفی و عارف معاصر

و تقریباً هم نام خویش، - روزبهان کازرونی مصری معروف به وزان - اشتباه نشود.

این روزبهان مصری، طریقه سهروردیه داشت و شیخ نجم‌الدین کبری هم منسوب

به او و داماد اوست. به علاوه، آن شیخ روزبهان هم که ابن عربی از وی گه‌گاه یاد

می‌کند همین روزبهان مصری است نه بقلی»^۷.

۳.۱) کنیه

«کنیه روزبهان به مناسبت نام فرزند ارشدش شمس‌الدین محمد، ابو محمد است»^۸

۴.۱) نسبت

نسبت های شیخ روزبهان عبارتند از؛

الف - بقلی

نسبت «بقلی» را بدان جهت به او داده‌اند که وی ظاهراً در فسا دکانی داشته که در آن بقل (هر گیاهی که زمین بدان سبز گردد - تره و بقولات) می‌فروخته.^۹ البته محمد تقی میر، موضوع اشتغال خود روزبهان به سبزی - فروشی را رد می‌کند و می‌گوید:

«ما در هیچ مأخذی به مطلبی که موافق این عقیده باشد برنخورده‌ایم و گمان اینکه

خود شیخ به سبزی فروشی اشتغال داشته است را نیز صحیح نمی‌دانیم خاصه اینکه

شیخ از صغر سن در پی کسب علم و سیر در راه پرهیزگاری و تقوا بوده است.^{۱۰}»

در منابع مربوط به زندگی روزبهان بقلی، (از تحفه اهل‌العرفان، اثر نواده او تا آثار معاصرین)، از وجد ناگهانی روزبهان در جوانی، و در پی آن رفتن به کوه و صحرا سخن به میان آمده، اما تنها در آثار معاصرانی چون ماسینیون، ارنست، کربن و دیگران، روایت ترک دکان و صندوق توسط شیخ ذکر شده است. با این حساب امکان دارد که نسبت «بقلی»، نسبتی خانوادگی و موروثی باشد.

البته حکایتی از گازرگاهی به دست ما رسیده که جایی نقل نشده اما احتمال دیگری را در اختیار ما می‌گذارد. این حکایت به این شرح است:

«روزی در بازار شیراز می‌گشتند. جوانی به غایت صاحب جمال، سبزی فروشی می‌کرد و بانگ می‌زد که «عاشق تره». شیخ را حالتی دست داد و نعره زد و بیهوش شد. بعد از آن حلقه عشق آن جوان در گوش کردند^{۱۱}».

اظهار عشق به پسر زیباروی سبزی فروش و کمر بستن شیخ و مریدانش به خدمت این جوان، شاید دلیلی باشد برای دادن نسبت «بقلی» به روزبهان.

ب - «فسوی» یا «فساوی» یا «فسایی»

این نسبتها یعنی: منسوب به «فسا»، که همان زادگاه شیخ در فارس است. «این نسبت را برخی به خطا «فسوی» ثبت کرده‌اند^{۱۲}».

البته خود شیخ در وقف‌نامه‌ای برای خانقاه خویش، نسبت خود را «بسایی» آورده است^{۱۳} که معرب «پسا»ست.

ج - دیلمی*

این نسبت از آن رو به روزبهان داده شده که خاندان او از زمره دیلمیان بوده‌اند.

د - شیرازی

گاهی به علت مقیم بودن شیخ در شیراز، نسبت «شیرازی» به او می‌دهند.^{۱۴}

۵.۱) شهرت

روزبهان به چند صفت شهرت داشته که از این قرارند:

الف - «کبیر»

مؤلف *تحفه اهل‌العرفان*، روزبهان را «شیخ کبیر» نامیده و محمد قزوینی نیز از او با عنوان «شیخ روزبهان بقلی کبیر» یاد کرده است؛ اما چنانکه گفته شد در عصر بقلی، عارفی دیگر به نام شیخ روزبهان کازرونی مصری می‌زیست که او را نیز به لقب «کبیر» می‌خواندند.^{۱۵}

ب - «صغیر»

به گفته مؤلف *ریحانه‌الادب*: «شیخ شطّاح را روزبهان صغیر می‌گویند در مقابل روزبهان کبیر که به عنوان شیخ روزبهان، مذکور شد»^{۱۶}. مقصود مؤلف از شیخ روزبهان دوم، روزبهان کازرونی مصری است.

ج - «شیخ شطّاح» یا «شطّاح فارس»

دو علت عمده برای خوانده شدن روزبهان به این دو عنوان ذکر شده:

(۱) تألیفات او در تشریح، توجیه، استنکار یا انکار شطحیات صوفیه^{۱۷}: وی دو کتاب در شطح دارد، یکی به نام «*منطق‌الاسرار بیان‌الانوار*» به عربی که در براءت حسین بن منصور حلاج شطّاح معروف به رشته تحریر درآورده و دیگری کتاب «*شرح شطحیات*»^{۱۸}.

(۲) شطح‌گویی و رمزگویی‌های شیخ روزبهان:

«روزبهان ضمن اینکه در حفظ اوضاع شریعت کوشا بود و مدت بسیار طولانی در جامع عتیق شهر به سیمت وعظ و ارشاد مردم اشتغال داشت، گاهی به افشای اسرار نیز می‌پرداخت»^{۱۹} و در این راه بسیار بی‌باک بود. علاوه بر مجالس وعظ، وی در تألیفات خود نیز شطح‌آمیز سخن می‌گوید؛ سخنانی دو پهلو و رمزگونه که به زعم دینانی در زمان حیاتش در دست عوام قرار نگرفته و گر نه بی‌شک زندگی عادی او را هم مختل می‌کرده است.^{۲۰}

این دو مسئله سبب شد که او به «شیخ شطّاح» و یا به گفته خودش «شطّاح فارس» شهرت یابد.

۶.۱) القاب و صفات

مطابق سنت زندگی نامه نویسی مشایخ صوفیه، صفات و القاب بسیاری برای شیخ روزبهان ذکر شده است که از آن جمله‌اند:

«سیدالاقطاب، سلطان العرفا، برهان العلماء، قدوة العشاق، اسوه الابدال، شیخ شیوخ الزمان،

سید جلساء الرحمن، شطّاح فارس میدان، نقاوة سالکین مشتاق، خلاصه محققین آفاق،

پیشوای اصحاب حقیقت، مقتدای ارباب طریقت»^{۲۱}، «قطب‌المحققین، صدرالدین،

جمال‌الاسلام»^{۲۲} و

علاوه بر القاب مذکور، سهروردی او را «العارف العاشق» لقب داده و عراقی در عشاق نامه وی را «شاه عشاق و عارفان» نامیده است.^{۲۳}

۷.۱) چهره شیخ

از روایات برمی‌آید که روزبهان، صورتی نیکو و سپید داشته است.^{۲۴}

مؤلف تحفه اهل‌العرفان در این باب می‌گوید:

«از جمله لطفها که حق - جلّ و علا - در شأن شیخ فرموده، یکی آن بود که

چهره‌ای به غایت خوب داشت، چنان چه هر که در وی نگریستی، روحی و

راحتی به دلش رسیدی و اثر ولایت در جبین مبینش بدیدی. و آن عکس پرتو

اندرون مبارکش بود که ظاهر می‌شد.^{۲۵}

و نیز در روح‌الجنان آمده است:

«شیخ را صورتی خوب بود لکن با هیبت، و در اکثر احوال بشاش بودی و رجاء بر خوفش غالب».^{۲۶}

۸.۱ سال تولد

تقریباً همه زندگی نامه‌نویسان اتفاق نظر دارند که روزبهران در سال ۵۲۲ هـ. دیده به جهان گشوده اما تنها مخالف این تاریخ ماسینیون است که زمان تولد وی را سال ۵۳۰ هـ. ذکر کرده^{۲۷} که با توجه به سایر تاریخ‌ها و روایت‌ها به نظر صحیح نمی‌آید.

۹.۱ زادگاه

روزبهران در شهر «پسا»، «بسا» یا «بسا سیر»، که همان فسای فعلی باشد به دنیا آمده^{۲۸}. فسا قصبه‌ای از قصبات شیراز است که «تا سده پنجم و ششم هجری پسا نامیده می‌شده».^{۲۹} در *دایره المعارف تشیع*، زادگاه روزبهران، «شهرضا» ذکر شده است.^{۳۰} اما هیچ کدام از منابع و قراین این امر را تصدیق نمی‌کنند.

۱۰.۱ نام پدر

تنها اطلاعی که به دست ما رسیده این است که نام یا کنیه پدر روزبهران، ابونصر است.^{۳۱}

۱۱.۱ اصل و طایفه

روزبهران از طایفه دیالمه ساکن فسا بوده است.^{۳۲} این طایفه که اصالتاً از اهالی دیلم و گیلان بوده‌اند^{۳۳}، از زمان آل بویه (دیلمیان) مخصوصاً در زمان «عضدالدوله» در فسا ساکن شدند.^{۳۴}

۱۲.۱ خانواده

در باب خانواده روزبهران، اطلاع زیادی در دست نیست و تنها عبارتی که روزبهران در کتاب *کشف الاسرار* خود آورده، دورنمایی از فرهنگ خانواده‌اش را پیش روی ما می‌گذارد؛ خانواده‌ای که هرگز بستر مناسبی برای پرورش چنین شخصیتی نبوده است:

«ولادت من در میان جهال بود از اهل خمر و ظلال و پرورشم در میان عامه بود. کأنهم حمرٌ مُستنفرهٌ فرَّت من قسوره».^{۳۵}

۱۳.۱ سفرها

چنانکه از روایات برمی آید، روزبهران در طول زندگانی اش سفرهای بسیاری داشته. اماعده ای در تأیید صحّت برخی از این سفرها تردید کرده اند. ما در اینجا تلاش می کنیم تا حد امکان اختلاف نظرها را ذکر نماییم.

الف - حجاز

به تصریح *تحفه اهل العرفان*، شیخ دو نوبت به کعبه رفته و وقفه یافته.

مؤلف *فارسنامه ناصری* نیز در این باب می نویسد: «مدتی در مکه معظمه مجاورت نمود و غالباً طواف را به بام کعبه می نمود»^{۳۶}. ابن عربی نیز در *فتوحات مکیه*، داستانی راجع به عشق روزبهران در حجاز نقل می کند که ماسینیون درباره آن می گوید: «اگر مراد از روزبهران در داستان مزبور همان روزبهران بقلی باشد، او می بایست به مکه سفر کرده باشد. ولی در جای دیگر روزبهران مذکور را شیخ روزبهران مصری پنداشته است»^{۳۷}.

ب - کرمان

سفر روزبهران به کرمان را برخی تأیید و برخی رد کرده اند. کربن در این باره می گوید: «ذکر سفر او به کرمان فقط در *شدالانزار* و ترجمه آن هزار مزار آمده و مؤیدی ندارد»^{۳۸}.

اما محمدتقی میر، با دو دلیل بر این سفر روزبهران، مّهر تأیید می زند؛ وی دلیل نخست را چنین ذکر می کند:

«شیخ در نامه ای که به عمادالدین محمد بن رئیس نوشته و در *تحفه العرفان* اصل آن نامه آمده است می نویسد: بر رای آن بزرگوار پوشیده نماند که در وقت حضور کرمان، آن سرو چمن و شمع انجمن به طرف میدان موالات به چشم خویش دیدم، آن نهادِ پیر بهار به جان بخریدم، مرغی که صید دل ماست هم در چمن ما گریزد»^{۳۹}.

وی همچنین در تشریح دلیل دوم به نقل از مؤلف *روح الجنان* می نویسد: «از شیخ عمادالدین کرمانی رحمه الله علیه روایت است که فرمود: ابتداء حال من در طریق اهل تحقیق آن بود که چون شیخ روزبهران به شهر کرمان آمد، اهالی شهر رغبتی تمام به دیدن شیخ نمودند»*

ج - مصر (اسکندریه)

آمده است که شیخ کتاب بخاری را در ثغر اسکندریه نزد حافظ سلفی قرائت نمود.^{۴۰} اما برخی، از جمله ماسینیون، این روزبهان را، روزبهان کازرونی مصری می‌دانند.^{۴۱}

د - شام

مؤلفان *شدالازار و نفحات الانس و طرائق الحقائق* از سفر او به شام یاد کرده‌اند. اما ماسینیون می‌گوید: «ما در باب سفر او به سوریه (شام) چیزی نمی‌دانیم».^{۴۲}

هـ - عراق

«به قول ماسینیون این سفر محتمل است وقوع یافته باشد؛ چه وی مرید یکی از زهاد گرد بود که «جاگیر» نام داشت و او در قنطره الرصاص نزدیک سامره می‌زیست. سفر شیخ را به عراق، *شدالازار* و ترجمه آن *هنزار مزار* و *نفحات الانس و طرائق الحقائق* تأیید می‌کنند».^{۴۳}

و - سفرها (بین فسا و شیراز)

چنانکه از روایات برمی‌آید، روزبهان در حدود سالهای ۵۴۳ یا ۵۴۵ هـ. به شیراز آمده و تا سال ۵۷۰ هـ. در شیراز بوده است^{۴۴} و تنها سفرهای پراکنده و کوتاهی به فسا داشته. وی در سال ۵۷۰ هـ. به علت کدورتی که با اتابک وقت پیدا می‌کند به فسا بازمی‌گردد و در آنجا به تألیف کتاب *منطق الاسرار* می‌پردازد. در همین سالهاست که یکی از همسرانش را از دست می‌دهد و در پی آن یعنی در سال ۵۷۱ هـ. که امیر سلغری، تکلہ بن زنگنه، به حکومت می‌رسد، شیخ به خواست او از فسا به شیراز بازمی‌گردد^{۴۵}. «سپس ترجمه احوال خود را به رشته تحریر درمی‌آورد».^{۴۶}

۱۴.۱ اساتید

از استادان روزبهان در «فسا» اطلاع خاصی نداریم. اما نام سه استاد او در شیراز، در منابع موجود ذکر شده است:

الف - فقیه ارشدالدین ابوالحسن علی بن محمد بن علی نیریزی

ارشدالدین عالم محقق و جامع علوم شرعی و امام و خطیب مسجد جامع عتیق شیراز بود^{۴۷} و به همین سبب «عتیقی» لقب گرفته است.^{۴۸}